



The Study of Strategies for Revitalizing Popular mobilization in Iran

Azam Ahangar Solehboni¹ 

1. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: aahangar@ut.ac.ir

Volume info

Vol. 34
Series: 133
Autumn 2026
P.P: 95-123

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-06-02
Revised:
2025-11-03
Accepted:
2025-11-04
Published:
2026-02-20

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Abstract

Popular mobilization in Iran has played a central role in overcoming crises, from the Islamic Revolution and the Iran-Iraq War to periods of national reconstruction. However, recent cultural transformations, declining social capital, the rise of digital technologies, and fragmentation among decision-making institutions have challenged traditional models of mobilization. In this context, the central question of this study is: What strategies can be proposed for revitalizing popular mobilization in contemporary Iran? The main objective is to identify capacities, obstacles, and recommended pathways for reconstructing inclusive and effective public participation through popular mobilization.

This research follows a qualitative and interpretive approach, using thematic analysis as its methodology. Data were collected through 15 semi-structured interviews with a range of field actors, including grassroots volunteers, mid-level commanders, social experts, and executive managers. Purposeful and snowball sampling methods were applied, and the thematic analysis was conducted using open, axial, and selective coding.

The findings suggest that revitalizing popular mobilization requires moving beyond centralized models toward integrated governance frameworks. These models must be capable of combining three key domains: participatory governance structures, intelligent technological infrastructures, and effective utilization of public spaces—both physical and digital. If properly designed and supported by domestic infrastructure, digital platforms can serve as strategic tools for networking, training, mobilizing, and coordinating volunteers. Rebuilding public trust, enhancing social capital, and activating local capacities are also identified as essential strategies for reimagining popular mobilization in Iran.

Keywords: Popular Mobilization, Social Capital, Social Governance, Grassroots Organizations, Social Participation.

Cite this Article: Ahangar Solehboni, A. (2026). The Study of Strategies for Revitalizing Popular mobilization in Iran. *Scientific Journal of Defense Policy*, 34(133), 95-123.

doi : 10.47176/dpj.2026.1831



OPEN  ACCESS

© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

Publisher: Imam Hossein University.

مطالعه راهکارهای بازآفرینی بسیج مردمی در ایران

اعظم آهنگرسله بنی^۱

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: aahangar@ut.ac.ir

چکیده

بسیج مردمی در ایران، از دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس تا دوره‌های بازسازی، همواره نقشی محوری در عبور از بحران‌ها ایفا کرده است. با این حال، تحولات فرهنگی، کاهش سرمایه اجتماعی، گسترش فناوری‌های نوین و چندپاره شدن نهادهای تصمیم‌گیر، الگوی سنتی بسیج را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه راهکارهایی می‌توان برای بازآفرینی بسیج مردمی در ایران معاصر ارائه کرد؟ هدف اصلی، شناسایی ظرفیت‌ها، موانع و مسیرهای پیشنهادی برای بازسازی مشارکت مردمی فراگیر و اثربخش در قالب بسیج عمومی است. پژوهش با رویکرد کیفی و تفسیرگرایانه و با استفاده از روش تحلیل تماتیک انجام شده است. داده‌ها از طریق ۱۵ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با طیفی از کنشگران میدانی شامل جهادگران، فرماندهان میانی، کارشناسان اجتماعی و مدیران اجرایی گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و به روش گلوله‌برفی انجام گرفت و تحلیل مضامین با بهره‌گیری از کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت.

بازآفرینی بسیج مردمی مستلزم عبور از الگوهای متمرکز و تمرکززدایی از تصمیم‌گیری و اجرا در قالب مدل‌های حکمرانی یکپارچه است. این مدل‌ها باید توانایی ترکیب سه حوزه اصلی را داشته باشند: ساختار حکمرانی مشارکتی، زیرساخت‌های فناورانه هوشمند، و بهره‌برداری از فضاهای عمومی (حضوری و آنلاین). همچنین، فضای مجازی در صورت طراحی سیاست‌مدارانه و توسعه زیرساخت‌های بومی، می‌تواند به عنوان ابزاری راهبردی برای شبکه‌سازی، آموزش، بسیج، و هماهنگی نیروهای داوطلب مورد استفاده قرار گیرد. بازسازی اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی و فعال‌سازی ظرفیت‌های محلی از دیگر راهکارهای کلیدی بازآفرینی بسیج مردمی در ایران هستند.

کلیدواژه‌ها: بسیج مردمی، سرمایه اجتماعی، حکمرانی سازمان‌های مردمی، مشارکت اجتماعی.

استناد: آهنگرسله بنی، اعظم. (۱۴۰۴). مطالعه راهکارهای بازآفرینی بسیج مردمی در ایران. فصلنامه سیاست

دفاعی، ۳۴ (۱۳۳)، ۲۳-۹۵.

doi : 10.47176/dpj.2026.1831

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.

ناشر: دانشگاه جام امام حسین(ع).



مقدمه

ایران از دیرباز سرزمینی بوده است که همکاری و فعالیت‌های جمعی در آن جایگاهی ویژه داشته‌اند. ساکنان این مرز و بوم همواره در مواجهه با دشواری‌ها و بحران‌ها، با تکیه بر مشارکت مردمی و نیروی همبستگی اجتماعی، راه‌هایی برای عبور از مشکلات یافته‌اند. گستره جغرافیایی کشور و ساختار اداری و سیاسی آن، به‌ویژه در دوران‌های گذشته، باعث می‌شد که در شرایط بحرانی، حکام و فرمانداران محلی گاه از صحنه خارج شوند. در چنین شرایطی، این مردم بودند که وظیفه دفاع از سرزمین، اموال و ارزش‌های خود را بر عهده می‌گرفتند. افزون بر آن، خشکسالی‌های پی‌درپی و اقلیم خاص ایران همواره ضرورت همیاری و تعاون را تقویت کرده است. در انجام کارهای جمعی، مردم با هم متحد می‌شدند تا مسائلی که منافع عمومی را در بر داشت، به‌طور مشترک مدیریت کنند. نمونه بارز چنین همکاری‌هایی را می‌توان در ساخت و نگهداری قنات‌ها مشاهده کرد؛ هزاران کیلومتر قنات در سراسر کشور تنها با تکیه بر مشارکت مردم امکان‌پذیر بوده است.

در زبان فارسی، «بسیج» به معنای آماده‌سازی و فراهم کردن شرایط برای انجام یک مأموریت مهم، به‌ویژه در مواقع ضروری چون سفر یا عملیات، به کار می‌رود. این واژه در تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، مفهومی فراتر از واژه‌ای صرفاً لغوی پیدا کرده و به نماد مشارکت مردمی در بزنگاه‌های حساس تبدیل شده است. از روزهای آغازین پیروزی انقلاب تا سال‌های دفاع مقدس، مردم با حس مسئولیت‌پذیری، مبتنی بر باورهای فرهنگی و دینی خود، در قالب گروه‌های داوطلبانه یا سازمان‌یافته، در عرصه‌های امنیتی، دفاعی و خدمات اجتماعی حضوری پررنگ داشتند. این مشارکت محدود به جبهه‌ها نبود، بلکه در بازسازی کشور، امدادرسانی و خدمت‌رسانی نیز تأثیرگذار بود و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کرد. تجربه آن دوران گواه این است که بسیج، تنها یک نیروی نظامی نبوده، بلکه ظرفیتی اجتماعی برای افزایش مشارکت در مواجهه با بحران‌های گوناگون محسوب می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۶، در جمعی از دانشجویان بسیجی، مفهوم بسیج را چنین توصیف کردند: «وقتی می‌گوییم بسیج، معنایش این است که مجموعه‌ای مورد نظر است که در عرصه‌ی مجاهدت انقلابی حضور پیدا کرده و حضور دارد؛ غایب نیست، آماده است». بسیج

ریشه‌هایی عمیق در فرهنگ اسلامی و اجتماعی ایران دارد. آموزه‌های شیعی همواره بر فضیلت‌هایی چون ایثار، جهاد، نوع‌دوستی و فداکاری تأکید داشته‌اند. این ارزش‌ها، بستری مناسب برای شکل‌گیری فرهنگ مشارکتی فراهم کرده‌اند که در مواقع بحرانی، مردم را به حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی سوق داده است. پس از پیروزی انقلاب، اعتماد مردم به نظامی که آن را برخاسته از خواست و اراده خود می‌دانستند، به مشارکت داوطلبانه در بسیج دامن زد. این باور، به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، با استقبال اقشار مختلف از جمله جوانان و زنان همراه شد؛ آنان در قالب پشتیبانی، حضور در جبهه‌ها و فعالیت‌های خدماتی نقشی مؤثر ایفا کردند. این دوره تاریخی نشان داد که بسیج می‌تواند به عنوان یک سرمایه اجتماعی، نقشی کارآمد و مؤثر در مدیریت بحران‌ها و تقویت انسجام ملی ایفا کند.

با گذشت سال‌ها و دگرگونی‌های فراوان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، جامعه ایرانی بیش از گذشته به زندگی روزمره خود مشغول شده و تمرکز خود را معطوف به رفع نیازهای شخصی کرده است. در این وضعیت، الگوهای مشارکت عمومی نسبت به گذشته دستخوش تغییر شده‌اند. در گذشته، مردم با انگیزه‌های دینی، فرهنگی و اعتماد به حاکمیت، در امور جمعی شرکت می‌کردند، اما در سال‌های اخیر، نشانه‌هایی از کاهش تمایل عمومی به این نوع مشارکت‌ها مشاهده می‌شود. در کنار این موضوع، حوادثی چون ناآرامی‌های سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ نیز نشان داد که بسیج می‌تواند نقش واسط و آرام‌بخش میان مردم و نهادهای رسمی را ایفا کند. شروع این واقعه از سال‌های قبل بوده است به طوری که رحمت الهی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «کاهش سرمایه اجتماعی، دولت و مشارکت مردم» به این موضوع پرداخته است (رحمت الهی، آقا محمدی و مهدوی ۱۳۹۵؛ ۴۳۵-۴۶۱). از دیگر سو دگرگونی در الگوهای فرهنگی، رشد فردگرایی، تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش احساس تعلق جمعی از جمله چالش‌هایی هستند که بر مشارکت داوطلبانه مردم تأثیر گذاشته‌اند. در حالی که در فرهنگ اسلامی و ایرانی، مفاهیمی چون «تعاونوا علی البرّ و التقوی» (سوره مائده، آیه ۲) و آموزه‌های اخلاقی بزرگان دین بر همکاری، مسئولیت‌پذیری و خدمت به خلق تأکید دارند، در عمل نوعی فاصله میان ارزش‌های دینی و رفتارهای اجتماعی شکل گرفته است. از منظر جامعه‌شناختی نیز این روند را می‌توان ناشی از ضعف نهادهای واسط و کاهش اعتماد نهادی دانست (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۷۵). بازآفرینی بسیج

مردمی مستلزم بازگشت به همین بنیان‌های فرهنگی و بازسازی پیوندهای اعتماد و سرمایه اجتماعی است که ریشه در سنت دیرپای همیاری ایرانیان دارد.

با توجه به حضور دائمی نیروهای بسیج در لایه‌های مختلف جامعه، این نهاد قابلیت آن را دارد که پیوند مؤثری میان حکومت و مردم ایجاد کند. در شرایط پرمخاطره‌ای همچون تهدیدهای منطقه‌ای یا بلایای طبیعی، وجود نیرویی مردمی مانند بسیج که توان هماهنگی و بسیج منابع و نیروها را دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تقویت جایگاه بسیج، علاوه بر افزایش توان دفاعی کشور، در حوزه حل مسائل داخلی و اجتماعی نیز نقش آفرین خواهد بود.

با توجه به ضرورت احیای ظرفیت‌های انسانی و منابع موجود در قالب بسیج، بررسی علل کاهش مشارکت مردمی در سال‌های اخیر، در بستر تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اهمیت دارد. همچنین، لازم است راهبردها و شیوه‌هایی که می‌توانند اعتماد عمومی را به این نهاد بازگردانند و مشارکت مردم را افزایش دهند، شناسایی شوند. از این منظر، بازتعریف نقش بسیج در مواجهه با چالش‌های داخلی و تهدیدات خارجی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از همین رو، این پژوهش در پی یافتن علل و عوامل کاهش مشارکت مردمی در بسیج طی سالهای اخیر و ارائه راهکارهایی جهت بازآفرینی آن است.

لازم به ذکر است در این پژوهش بسیج یعنی نیروهای مردمی که در مواقع مختلف پای کار کشور هستند و حاضرند و بدون چشم داشت و یا با کمترین چشمداشت به کمک بازوهای اجرایی رفته و در رفع مسائل مختلف و مشکلاتی که نیاز به همکاری و مشارکت نیروهای مردمی است تلاش می‌کنند.

مبانی نظری

مبانی نظری جامعه‌شناختی بازآفرینی بسیج مردمی می‌بایست بر بنیان مفهوم سرمایه اجتماعی، نظریه کنش جمعی، رهیافت‌های نوین در حکمرانی مشارکتی و نیز آموزه‌های فرهنگی و دینی اسلامی استوار باشد. سرمایه اجتماعی، به‌عنوان شبکه‌ای از روابط، اعتماد و هنجارهای مشترک میان اعضای یک جامعه، بستر اصلی مشارکت و بسیج مردمی را فراهم می‌کند (پاتنام^۱، ۲۰۰۰). در جوامعی که سطح اعتماد عمومی بالا و شبکه‌های مدنی گسترده هستند، توانایی برای پاسخ‌گویی خودجوش به بحران‌ها افزایش می‌یابد. کاهش سرمایه اجتماعی در دهه‌های اخیر در ایران، به‌ویژه

1 Putnam

در قالب بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و گسترش فردگرایی، یکی از موانع اساسی بازآفرینی بسیج عمومی تلقی می‌شود.

در این زمینه، از منظر فرهنگ اسلامی، اعتماد، تعاون و همیاری از ارکان اصلی روابط اجتماعی‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) که به معنای همکاری در نیکی و تقواست. همچنین پیامبر اسلام (ص) در حدیثی فرمودند: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا»، یعنی مؤمن نسبت به مؤمن دیگر همچون بنایی است که اجزای آن یکدیگر را استوار می‌سازند (بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۶). این آموزه‌ها، بنیاد اخلاقی و دینی مشارکت اجتماعی را تشکیل می‌دهند. استاد مطهری نیز در آثار خود بر پیوند میان ایمان دینی و مسئولیت اجتماعی تأکید کرده و معتقد است که «جامعه‌ای که در آن روح تعاون و احساس تکلیف نسبت به سرنوشت جمعی زنده باشد، جامعه‌ای پویا و الهی است» (مطهری، ۱۳۷۰: ۸۲).

نظریه کنش جمعی نیز ابزار تحلیلی مهمی برای درک چگونگی شکل‌گیری و پایداری بسیج‌های مردمی است. طبق دیدگاه مانکور اولسون^۱ (۱۹۶۵)، افراد تنها زمانی در فعالیت‌های جمعی مشارکت می‌کنند که منافع ملموسی برایشان متصور باشد یا سازوکارهایی برای کاهش هزینه‌های مشارکت وجود داشته باشد. در فرهنگ اسلامی، این سازوکارها نه فقط بر پایه منافع مادی، بلکه بر مبنای انگیزه‌های معنوی چون رضایت الهی، ایثار و خدمت به خلق استوارند. همان‌گونه که دکتر شریعتی تأکید می‌کند، «جامعه‌ای که در آن انسان خود را مسئول دیگران می‌داند، جامعه‌ای متعهد و زنده است» (شریعتی، ۱۳۵۸: ۲۳). بنابراین، بازآفرینی بسیج مردمی باید با احیای انگیزه‌های معنوی و تقویت حس تعلق جمعی همراه باشد تا از سطح کنش عقلانی ابزاری به سطح کنش ارزشی ارتقا یابد.

نهایتاً، بازآفرینی بسیج مردمی نیازمند درک عمیق‌تری از مفاهیم «حکمرانی اجتماعی» و مشارکت چندسطحی است. حکمرانی اجتماعی به جایگاه مردم، نهادهای مدنی و کنشگران غیردولتی در فرآیند سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی می‌پردازد و از تمرکز صرف بر دولت فاصله می‌گیرد (پیر و پیترز، ۲۰۰۰). رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این زمینه تأکید کرده‌اند که «بسیج یعنی حضور آگاهانه و مسئولانه مردم در میدان عمل، برای ساختن جامعه‌ای اسلامی و

1 Olson

2 Pierre&Peters

عدالانه» (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۸). در این مدل، نقش ابزارهای فناورانه برای تسهیل ارتباط، هماهنگی و اعتمادسازی در میان بازیگران گوناگون کلیدی است (کستلز، ۲۰۱۲). لذا ایجاد ساختارهای حکمرانی یکپارچه که بتواند فناوری دیجیتال، نهادهای رسمی و فضاهای عمومی را در کنار یکدیگر به کار گیرد، یکی از راهبردهای محوری برای احیای بسیج مردمی در عصر حاضر تلقی می‌شود.

پیشینه پژوهش

بررسی راهبردهای بازسازی بسیج مردمی در ایران ابعاد مختلفی از جمله عوامل اجتماعی اقتصادی، جنبشهای سیاسی و میراث فرهنگی را در بر می‌گیرد. این پژوهش با هدف تحلیل چگونگی تعامل این عناصر و تاثیر بر پویایی بسیج مردمی در ایران معاصر انجام شده است. بخش‌های زیر جنبه‌های کلیدی مربوط به این مطالعه را شرح می‌دهد.

بسیج مردمی در ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون همواره یکی از ارکان اصلی در حکمرانی و توسعه اجتماعی-سیاسی کشور بوده است. این مفهوم که ریشه در ایدئولوژی انقلابی و آرمان‌های عدالت‌خواهانه دارد، در مسیر تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور دچار تغییر و تحولات متعددی شده است. مرور مطالعات انجام‌شده در این حوزه نشان می‌دهد که بسیج مردمی در ایران طی چهار دهه اخیر تحت تأثیر سیاست‌های توسعه‌ای، جنگ، اصلاحات اقتصادی، تحولات فرهنگی و اجتماعی، و حتی جنبش‌های اعتراضی تغییر هویت داده است.

از منظر اجتماعی مقدم و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود، بحران را از زاویه جامعه‌محور بررسی کرده‌اند. این رویکرد بر مشارکت فعال مردم پیش و پس از بحران تأکید می‌کند و هدف آن ارتقای سلامت و بهبود شرایط است. مهم‌ترین راهبردها شامل توانمندسازی گروه‌های هدف، بهبود حکمرانی و تقویت پیوندهای اجتماعی معرفی شده است (مقدم و دیگران ۲۰۲۳).

1 Custells

2 Moghaddam et al

الف- بسیج مردمی در بستر اصلاحات اقتصادی و لیبرالیسم

پوی^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی جامع به بررسی تعامل میان اصلاحات اقتصادی نولیبرال و بسیج مردمی در ایران پرداخته است. او نشان می‌دهد که چگونه ایران از یک الگوی پوپولیستی انقلابی به سوی سیاست‌گذاری اقتصادی لیبرال حرکت کرده و این تغییر باعث افزایش انحصارطلبی سیاسی شده است. وی با مقایسه تجربه ایران و مصر، به این نتیجه می‌رسد که سیاست‌های اقتصادی نولیبرال همزمان با تضعیف حقوق سیاسی، زمینه‌ساز شکل‌گیری بسیج‌های جدید مبتنی بر مطالبات اقتصادی شده‌اند. این بسیج‌ها، هرچند در مخالفت با اصلاح‌طلبان شکل گرفته‌اند، اما فاقد یک چارچوب نهادی منسجم هستند و بیشتر واکنشی و اعتراضی‌اند (پوی ۲۰۱۹).

ب- نقش جهاد سازندگی و بسیج سازندگی در بازتولید بسیج مردمی

مطالعه لب^۲ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که نهادهایی همچون جهاد سازندگی و بسیج سازندگی در دوره جنگ و پس از آن، چگونه به ابزارهای کلیدی برای توسعه روستایی، بسیج اجتماعی و تحکیم حمایت عمومی از جمهوری اسلامی تبدیل شدند. این نهادها توانستند با سازماندهی توده‌ها و ایجاد انسجام اجتماعی، هم پروژه‌های توسعه را پیش ببرند و هم مکانیزم‌هایی برای کنترل و مدیریت افکار عمومی فراهم کنند. با این حال، این بسیج‌ها به مرور زمان دچار فرسایش نهادی شده و با پدیده‌هایی چون دلزدگی ایدئولوژیک و گسست نسلی مواجه شدند (لوب^۳ ۲۰۱۷).

پ- بسیج‌های اعتراضی و بحران تخیل جمعی

پایوندی^۳ (۲۰۲۳) با تمرکز بر جنبش‌های اعتراضی اخیر در ایران، به ویژه اعتراضات ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱، نشان می‌دهد که این جنبش‌ها هرچند گسترده و فراگیر بوده‌اند، اما به دلیل فقدان رهبری منسجم و عدم شکل‌گیری یک تخیل جمعی برای آینده سیاسی، نتوانسته‌اند به بسیجی پایدار و اثربخش تبدیل شوند. این اعتراضات بیشتر حول مطالبات پراکنده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته و فاقد ایدئولوژی بسیج‌کننده واحد بوده‌اند (پایوندی^۳ ۲۰۲۳).

1 Povey
2 Lob
3 Paivandi

ت- بازآفرینی فرهنگی بسیج از طریق احیای نمادها

ولمن^۱ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به نقش بازآفرینی فرهنگی و نمادین بسیج از طریق یادمان‌سازی شهدا می‌پردازد. او نشان می‌دهد که چگونه بازگرداندن اجساد شهدا به شهرهای کوچک و آیین‌های بزرگداشت، به فرآیندی برای بازسازی پیوند میان دولت و مردم تبدیل شده است. این استراتژی که مبتنی بر سرمایه نمادین و مذهبی است، یکی از شیوه‌های کلیدی بازآفرینی بسیج در استان‌ها بوده است (ولمن، ۲۰۱۵).

ث- بسیج مردمی و توسعه منطقه‌ای پس از انقلاب

امیره احمدی^۲ (۱۹۸۹) در یکی از نخستین مطالعات جامع خود نشان داد که چگونه انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی باعث ایجاد نوعی بسیج خودجوش مردمی برای مشارکت در توسعه منطقه‌ای شد. این بسیج‌ها اگرچه در ابتدا توانستند به تمرکززدایی و مشارکت محلی کمک کنند، اما به تدریج با روند تمرکزگرایی پس از جنگ، کارکرد اصلی خود را از دست دادند. به عبارت دیگر، دولت به جای تقویت این ظرفیت‌های مردمی، آن‌ها را در سازوکارهای بوروکراتیک حل کرد (امیره احمدی، ۱۹۸۹).

ج- بسیج‌های فرهنگی سازمان‌یافته و مقاومت فرهنگی

تیموری^۳ (۲۰۲۴) با مطالعه بسیج‌های فرهنگی و عدالت‌خواهانه طرفدار حکومت بین سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۹، نشان می‌دهد که چگونه این بسیج‌ها به واکنشی علیه جنبش‌های اصلاح‌طلبانه تبدیل شدند. این بسیج‌ها که عمدتاً از سوی جریان راست انقلابی هدایت می‌شدند، در واقع یک حرکت بلندمدت اعتراضی فرهنگی در دفاع از ارزش‌های انقلاب و مقابله با غرب‌گرایی بودند. نکته مهم آن است که این بسیج‌های فرهنگی، علاوه بر مقابله با مخالفان، حتی سیاست‌های دولت‌های همسو را نیز به چالش می‌کشیدند (تیموری، ۲۰۲۴).

1 Wellman
2 Amirahmadi
3 Teimouri

ح- نقد و تحلیل جامعه‌شناسانه از تغییرات در بسیج مردمی

غنی‌راد^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی نظری، وضعیت جامعه‌شناسی بومی ایران را در نسبت با پروژه‌های رسمی اسلامی‌سازی علوم اجتماعی تحلیل کرده است. او نشان می‌دهد که چگونه بخشی از جامعه علمی ایران، به جای بازآفرینی خلاقانه مفاهیم بومی بسیج مردمی، یا به ورطه مصرف منفعلانه جامعه‌شناسی جهانی افتاده‌اند یا درگیر پروژه‌های ایدئولوژیک دولتی شده‌اند. این وضعیت به نوعی بن‌بست نظری در بازآفرینی مفهوم بسیج مردمی انجامیده است (غنی‌راد، ۲۰۱۱).

جمع‌بندی و خلاء پژوهشی

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که مفهوم بسیج مردمی در ایران دارای ابعاد چندگانه تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. مطالعات متعددی به بررسی نقش بسیج در دوران جنگ، توسعه روستایی، مقابله با نولیبرالیسم، بازآفرینی فرهنگی از طریق نمادسازی، و بسیج‌های اعتراضی پرداخته‌اند. با این حال، چند نکته مغفول مانده است:

۱. مطالعات موجود بیشتر به توصیف تجربی بسیج‌های گذشته پرداخته و کمتر به ارائه راهکارهای عملی برای بازآفرینی بسیج مردمی در شرایط جدید اجتماعی-سیاسی ایران توجه کرده‌اند.
 ۲. تغییرات نسلی، ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و تحولات فرهنگی و ارزشی جامعه ایران، اقتضائات جدیدی را برای بسیج مردمی ایجاد کرده است که در ادبیات موجود کمتر بازتاب یافته است.
 ۳. دوگانه «بسیج رسمی-بسیج غیررسمی» و نسبت آن با جنبش‌های اجتماعی جدید نیازمند واکاوی نظری و تجربی دقیق‌تری است.
 ۴. به‌ویژه در شرایطی که اعتماد عمومی به نهادهای رسمی کاهش یافته، بازآفرینی بسیج مردمی نیازمند اتخاذ رویکردهای جدید مبتنی بر مشارکت واقعی، بازآفرینی نمادهای مورد اجماع و تقویت سرمایه اجتماعی است.
- بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد با بازخوانی تجربه‌های گذشته و تحلیل شرایط جدید، راهکارهای عملی و سیاستی برای بازآفرینی بسیج مردمی در ایران ارائه دهد. این بازآفرینی مستلزم عبور از الگوهای صرفاً ایدئولوژیک و حرکت به‌سوی الگوهای مشارکتی، انعطاف‌پذیر و چندصدایی است که بتواند نسل جدید را نیز دربرگیرد.

¹ Ghaneirad

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت مسئله پژوهش و جنس پرسش‌های تحقیق، مناسب‌ترین روش برای گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها، روش کیفی با رویکرد تفسیرگرایانه است. این رویکرد پژوهشی که مبتنی بر پدیدارشناسی است، در پی فهم تجارب زیسته کنشگران اجتماعی در ارتباط با مفهومی به نام "بازآفرینی بسیج مردمی" است. پدیدارشناسی به عنوان یک سنت پژوهشی در علوم اجتماعی، به دنبال درک و تفسیر معنایی است که افراد در بسترهای اجتماعی خاص به پدیده‌ها نسبت می‌دهند. این روش بر چهار مؤلفه کلیدی استوار است: نخست، توجه عمیق به جزئیات و تجربه فردی؛ دوم، درک تکرر واقعیت‌ها و دیدن پدیده از منظر گروه‌های گوناگون اجتماعی؛ سوم، پذیرش ساخت اجتماعی واقعیت؛ و چهارم، به تعلیق در آوردن مفروضات و پیش‌داوری‌های پیشینی در درک پدیده‌ها (فلیک ۲۰۱۰).

در راستای این رویکرد، از روش تحلیل تماتیک^۱ جهت تحلیل داده‌های گردآوری‌شده بهره گرفته شد. تحلیل تماتیک با فراهم آوردن امکانی برای شناسایی، سازمان‌دهی، و تفسیر الگوهای معنادار (تم‌ها) در مجموعه داده‌های کیفی، ابزاری کارآمد برای کاوش در تجارب زیسته و بازنمایی سازه‌های ذهنی مشارکت‌کنندگان فراهم می‌آورد. این شیوه تحلیلی به پژوهشگر اجازه می‌دهد که به جای اتکای صرف بر مفروضات نظری یا فرضیه‌های از پیش ساخته، معناهای برخاسته از داده‌ها را استخراج و صورت‌بندی کند. در این چارچوب، تلاش شد تا مضامین کلیدی پیرامون چالش‌ها، ظرفیت‌ها و راهبردهای بازآفرینی بسیج مردمی، با دقت شناسایی و دسته‌بندی شوند.

در فرایند گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته استفاده شد. این ابزار به پژوهشگر اجازه داد تا در عین حفظ چارچوب اصلی سؤالات، انعطاف لازم برای پی‌جویی معانی عمیق‌تر و پرسش‌های تکمیلی را نیز داشته باشد. مصاحبه‌ها با ۱۵ نفر از کنشگران مرتبط با موضوع تحقیق شامل بسیجیان فعال، فرماندهان نظامی، جهادگران، و جامعه‌شناسان صورت گرفت. انتخاب مشارکت‌کنندگان به شیوه هدفمند و با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۲ انجام شد؛ به گونه‌ای که ابتدا از افراد مطلع آغاز شد و سپس با معرفی مصاحبه‌شوندگان جدید توسط مشارکت‌کنندگان پیشین، زنجیره نمونه‌گیری گسترش یافت. در این شیوه، پژوهشگر با رجوع به

1 Thematic Analysis

2 snowball sampling

نظر فلیک (۲۰۱۰) به دنبال افرادی بود که تجارب معناداری از پدیده مورد مطالعه داشته و از منظر جامعه‌شناختی، قابلیت نمایندگی مفاهیم نظری مرتبط با بسیج مردمی را دارا باشند (فلیک، ۱۳۹۷). در انتخاب مشارکت کنندگان، همان‌گونه که اشتراوس و کورین (۱۳۹۵) نیز تأکید می‌کنند، پژوهشگر به دنبال مواردی بود که نماینده مفاهیم کلیدی و ساختارهای اجتماعی مؤثر بر موضوع تحقیق باشند. از همین رو، افرادی انتخاب شدند که یا در فعالیتهای میدانی مرتبط با بسیج مردمی مشارکت مستقیم داشتند و یا در مقام نظریه‌پرداز، توانایی تبیین مفهوم و فرایند بازآفرینی بسیج را از منظر علمی دارا بودند.

مطابق با اصول تحقیق کیفی، معیار اصلی برای تعیین حجم نمونه، حد اشباع نظری بود. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که اطلاعات جدیدی به داده‌های قبلی افزوده نمی‌شد و مضامین اصلی به تکرار می‌رسیدند. بر اساس تشخیص محقق، اشباع مفهومی در حدود مصاحبه دوازدهم حاصل شد، با این حال، جهت اطمینان و تنوع بیشتر در داده‌ها، مصاحبه‌ها تا ۱۵ مورد ادامه یافت. فرآیند کدگذاری داده‌ها در سه سطح انجام شد: نخست، کدگذاری اولیه بر اساس مفاهیم تکرارشونده که در سه یا بیش از سه مصاحبه مشاهده شد؛ دوم، تجمیع کدهای مشابه در خوشه‌های مفهومی؛ و سوم، استخراج تم‌های نهایی. هر مصاحبه با نماد "Q" در بدنه مقاله مشخص شده است تا ارجاع دقیق به داده‌های اولیه حفظ شود. کدگذاری به صورت دستی و با توجه کامل به بافت گفتار انجام شد و از نرم‌افزارهای کمکی استفاده نگردید، چرا که پژوهشگر بر تعامل مستقیم و عمقی با داده‌ها تأکید داشت.

لازم به ذکر است که در تحلیل تماتیک این تحقیق، به سه مرحله کلیدی شناسایی شد: مرحله آشنایی با داده‌ها، که شامل بازخوانی چندباره متن مصاحبه‌ها و استخراج برداشت‌های ابتدایی بود؛ مرحله کدگذاری اولیه، که در آن واحدهای معنایی برجسته علامت‌گذاری شدند؛ و نهایتاً مرحله شناسایی و تعریف تم‌ها^۱، که در آن مضامین سطح بالاتری از مفاهیم تکرارشونده شکل گرفتند. این تم‌ها مبنای نظری تحلیل محتوای یافته‌ها را تشکیل دادند و چارچوبی فراهم کردند تا صورت‌بندی چالش‌ها و راهبردهای بازآفرینی بسیج مردمی با دقت و وضوح بیشتری انجام گیرد.

در مجموع، استفاده از تحلیل تماتیک به عنوان روش تحلیل داده، به پژوهشگر امکان داد تا درکی عمیق تر و چندلایه از تجربه های زیسته مشارکت کنندگان به دست آورد و از این رهگذر، به شناسایی عوامل مؤثر بر افول یا احیای بسیج مردمی در بستر اجتماعی ایران معاصر نائل آید.

جدول ۱. شرح روش تحقیق

مؤلفه	نوع
ماهیت پژوهش	اکتشافی - بنیادی
نحوه انجام پژوهش	رویکرد کیفی
پارادایم حاکم بر پژوهش	تفسیری - برساختی
رویکرد پژوهش	استقرایی
راهبرد پژوهش (روش تجزیه و تحلیل داده ها)	تحلیل تماتیک
حیطه جمع آوری داده ها	میدانی و کتابخانه ای
هدف	تبیین و اکتشاف
ابزار گردآوری داده ها	مصاحبه های نیمه ساختاریافته و مطالعات نظری موجود

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

ردیف	تحصیلات	شغل	سن
۱	دکتری	پزشک - جهادی	۳۸
۲	کارشناسی ارشد	کارمند - فعال جهادی	۲۷
۳			
۴	دکتری	هیات علمی	۶۷
۵	کارشناسی	نظامی	۴۳
۶	دانشجوی کارشناسی	فعال جهادی	۲۶
۷	دکتری	کارمند	۴۴
۸	فوق دیپلم	بازنشسته سپاه	۵۸
۹	کارشناسی ارشد	کارمند	۲۹
۱۰	کارشناسی	شاغل بخش خصوصی - فعال	۲۵
		جهادی	

ردیف	تحصیلات	شغل	سن
۱۱	دکتری	پزشک فوق تخصص	۵۱
۱۲	دانشجوی کارشناسی ارشد	فعال جهادی	۲۷
۱۳	دیپلم	نظامی بازنشسته	۵۹
۱۴	دکتری	هیات علمی	۴۶
۱۵	دکتری	هیات علمی	۶۳

در این پژوهش، رعایت اصول اخلاقی در فرایند گردآوری داده‌ها مورد توجه قرار گرفت؛ به گونه‌ای که برای ضبط مصاحبه‌ها، در ابتدای گفتگو به صورت شفاهی از مشارکت کنندگان کسب اجازه شد. مصاحبه‌ها پس از انجام، به صورت کامل پیاده‌سازی گردیده و در سه مرحله کدگذاری شدند: کدهای باز، مقولات فرعی، و سپس استخراج مفاهیم اصلی از تجميع مقولات. با توجه به ویژگی ژرفانگر مطالعات کیفی، نتایج این تحقیق قابلیت تعمیم آماری ندارند، اما برای اعتباربخشی به یافته‌ها، از معیارهای ارزشیابی چهارگانه لینکلن و گابا (۱۹۸۵) شامل اعتبار، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری و قابلیت اعتماد استفاده شد (لینکلن و کوبا، ۱۹۸۵). برای تضمین اعتبار، از ارزیابی چندجانبه و مشارکتی بهره گرفته شد؛ در ارزیابی چندجانبه، طراحی سؤالات و نمونه‌گیری با لحاظ دیدگاه‌های متنوع انجام شد و در ارزیابی مشارکتی، متن پیاده‌سازی شده مصاحبه‌ها و کدهای اولیه برای مشارکت کنندگان ارسال شد تا نظر اصلاحی خود را ارائه دهند.

در راستای تقویت انتقال‌پذیری، پژوهشگر کلیه مراحل تحقیق، از طراحی تا تحلیل داده‌ها، را به صورت دقیق مستند کرد و اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان نیز به تفصیل گزارش شد. برای ارتقای تأییدپذیری، دو اقدام اصلی صورت گرفت: نخست، تشریح دقیق مراحل جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در متن پژوهش از طریق جداول و نمودارها، و دوم، بهره‌گیری از نظر چند تن از نخبگان دانشگاهی جهت بازبینی یافته‌ها. همچنین به منظور افزایش قابلیت اعتماد و سنجش پایایی داده‌ها، از روش کدگذاری دوگانه استفاده شد. در این روش، دو مصاحبه توسط یک پژوهشگر

مستقل کدگذاری شد و میزان توافق میان کدهای استخراج شده بررسی گردید. نتیجه، درصد توافق ۸۹.۹ درصد را نشان داد که حاکی از قابلیت اعتماد بالای کدگذاری‌ها و انسجام در تحلیل داده‌ها بود. جزئیات این بررسی در جدول شماره ۳ ارائه شده است. فرمول ذیل شامل درصد توافق کدهای داده شده در دو مصاحبه نمونه است که در ۱۰۰ ضرب شده و تقسیم بر تعداد کل کدهای دو کدگذاری از سوی دو متخصص شده است.

$$\text{درصد توافق} = \frac{(100) \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}}$$

جدول ۳. نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار

شماره مصاحبه	کل کدها	توافقات	عدم توافقات	درصد توافق
۴	۲۹	۲۶	۳	۸۹.۶۵
۷	۲۴	۱۹	۵	۷۹.۱۶
کل	۵۳	۴۵	۸	۸۹.۹

سؤالات پژوهش

- ۱- علل و عوامل کاهش مشارکت مردمی در بسیج طی سال‌های اخیر چیست؟
- ۲- چه راهکارهایی برای جلب اعتماد و افزایش مشارکت مردمی در بسیج مؤثر هستند؟

یافته‌های پژوهش

از مجموع مصاحبه‌های انجام شده، یافته‌های قابل توجهی به دست آمده که ابعاد مختلفی از چالش‌های پیش روی بازآفرینی و تقویت بسیج مردمی را روشن می‌سازد. یکی از مهم‌ترین مضامین برجسته در تحلیل‌ها، مسئله کاهش سرمایه اجتماعی است؛ موضوعی که نه تنها در این پژوهش بلکه در مطالعات اخیر نیز به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین فعالیت‌های مردمی و داوطلبانه در جامعه ایران مورد توجه قرار گرفته است. مصاحبه‌شوندگان با تأکید بر این نکته، به کاهش سطح اعتماد عمومی، مشارکت داوطلبانه و همبستگی اجتماعی در میان گروه‌های مختلف جامعه اشاره داشته‌اند که این امر می‌تواند پویایی نهادهایی چون بسیج مردمی را با مانع مواجه سازد.

افزون بر این، نقش فضای مجازی و تحولات فرهنگی نیز به عنوان یکی دیگر از محورهای پررنگ در گفت وگوها مطرح شده است. به باور بسیاری از مشارکت کنندگان، گسترش شبکه‌های اجتماعی و تغییر سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی، باعث تغییر در الگوهای مشارکت و نگرش جوانان نسبت به مفهوم بسیج و فعالیت‌های جمعی شده است. با این حال، مصاحبه‌شوندگان صرفاً به طرح چالش‌ها اکتفا نکرده‌اند و راهکارهایی نیز از سوی صاحب‌نظران، فرماندهان، جهادگران و متخصصان اجتماعی برای بازسازی و تقویت این نهاد مردمی پیشنهاد شده است. از این رو، آنچه در ادامه می‌خوانید، صورت‌بندی تحلیلی از داده‌های گردآوری‌شده و دسته‌بندی مفاهیم کلیدی است که با روش تحلیل تماتیک استخراج گردیده و زمینه‌ساز طراحی سیاست‌های مؤثر در این حوزه خواهد بود.

۲-۵-۱- کاهش سرمایه اجتماعی:

یکی از مهمترین مباحث مطرح شده در خصوص چالشهای پیش روی بسیج عمومی کاهش اعتمادی اجتماعی و سرمایه اجتماعی نظام است.

یکی از مهم‌ترین دلایل این تغییر، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی است. در حالی که در سال‌های نخست انقلاب، مردم دولت را نماینده واقعی خود می‌دانستند، اکنون به دلایل مختلف، از جمله ناکارآمدی برخی سیاست‌ها، مشکلات اقتصادی، و بحران‌های اجتماعی، اعتماد عمومی به دولت کاهش یافته و در نتیجه، تمایل به مشارکت در بسیج‌های مردمی نیز کاهش پیدا کرده است. این کاهش اعتماد عمومی، به‌ویژه در مواقع بحرانی، باعث شده که شکل‌گیری یک بسیج مردمی فراگیر مانند آنچه در دوران جنگ و انقلاب شاهد بودیم، دشوارتر شود (مصاحبه شماره ۴).

در شرایط کنونی مسئله اعتماد مردم به حاکمیت جمهوری اسلامی است. در سال‌های نخست پس از انقلاب، مردم به دولت و نهادهای حاکمیتی اعتماد داشتند و این اعتماد باعث می‌شد که در مواقع بحران به‌صورت خودجوش بسیج شوند. اما اکنون، به دلایل مختلف، از جمله فساد اداری، ناکارآمدی برخی سیاست‌ها، و بحران‌های اقتصادی، اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی کاهش یافته است. میزان مشارکت در انتخابات کاهش یافته و شکاف نسلی بین والدین و فرزندان را شاهد هستیم. بازآفرینی بسیج مردمی در شرایط کنونی، نیازمند بازسازی اعتماد عمومی است. بدون اعتماد مردم به دولت و نهادهای حاکمیتی، نمی‌توان انتظار داشت که مردم به‌صورت خودجوش در امور جمعی مشارکت کنند (مصاحبه شماره ۱۱).

جدول شماره ۴. کاهش سرمایه اجتماعی

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
کاهش سرمایه اجتماعی	وجود شکاف نسلی	کاهش تعاملات بین نسلی اتفاق افتاده است	Q1 Q4 Q5 Q11 Q12 Q14
		با نسل Z، بتا و گاما مواجه هستیم	Q15 Q4 Q1 Q10
		نیتها حدود ۲.۵ میلیون نفر شده اند که اصلا با جامعه تعامل سازنده ندارند چه رسد ارتباط با نسل قبل	Q14 Q7 Q4
	کاهش مشارکت مدنی	کاهش مشارکت در انتخابات	Q2 Q8 Q13 Q15
		محدود شدن برخی از سازمانهای مردم نهاد	Q4 Q5 Q14 Q7
	کاهش اعتماد عمومی	عدم اعتماد به نهادهای حاکمیتی	Q1 Q4 Q5 Q11
		عدم اعتماد به صدا و سیما	Q1 Q4 Q5 Q14 Q11 Q7 Q4

۲-۵-۲- تغییرات فرهنگی و اجتماعی جامعه:

یکی دیگر از چالشهای پیش روی بسیج می توان به تغییرات فرهنگی و اجتماعی جامعه اشاره کرد که در این پژوهش از سوی مصاحبه شوندگان مطرح شده و به عنوان مساله مطرح صورت بندی شده است. سه مقوله که نشانگر تغییرات فرهنگی جامعه است را می توان در فردگرایی، خستگی اجتماعی و تغییر ارزشهای محوری جامعه دسته بندی کرد.

تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران نیز در کاهش بسیج مردمی مؤثر بوده است. در دهه های اخیر، جامعه ایران دچار تحولات گسترده ای شده است که برخی از این تحولات، به کاهش روحیه جمع گرایی و افزایش فردگرایی منجر شده است. گرایش به مسائل شخصی و خانوادگی، جایگزین مشارکت در امور عمومی و فعالیت های جمعی شده و این مسئله در کاهش بسیج های مردمی نقش داشته است. همچنین، بحران های متعدد اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی که جامعه ایران در سال های اخیر با آن مواجه بوده، به نوعی خستگی اجتماعی منجر شده که تمایل مردم به مشارکت در امور جمعی را کاهش داده است (مصاحبه شونده شماره ۱۲).

یکی از مسائل مهم باید به تغییرات در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران نیز توجه کرد. در دهه‌های گذشته، ارزش‌های جمع‌گرایی، ایثار، و فداکاری به عنوان ارزش‌های محوری جامعه ایران شناخته می‌شد، اما اکنون این ارزش‌ها تا حد زیادی جای خود را به ارزش‌های فردگرایانه داده‌اند (مصاحبه شماره ۱۵).

جدول شماره ۵. تغییرات فرهنگی و اجتماعی

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
تغییرات فرهنگی جامعه	فردگرایی	اهمیت به موضوعات فردی و اولویت خواسته های فردی نسبت به جمعی	Q1 Q4 Q5Q7 Q12 Q14 Q15
		افزایش فرد گرایی و کاهش روحیه کار جمعی	Q12 Q15 Q14 Q10
	خستگی اجتماعی	خستگی ناشی از نتیجه نگرفتن از مشارکت	Q5 Q7 Q12 Q14 Q15
	تغییر ارزشها	قبلا ارزشهای جمع گرایی، ایثار و فداکاری به عنوان ارزشهای محوری جامعه شناخته می شد.	Q5 Q7 Q12 Q14 Q1Q9 Q6
		ثروتمند بودن به مثابه موفقیت	Q5Q7 Q12 Q14 Q15
		کاهش ارزش علم و کار	Q5 Q13 Q11 Q7

۳-۵-۲- کاهش احساس مسئولیت جمعی:

مصاحبه شوندگان کاهش احساس مسئولیت جمعی را یکی از موانع پیش روی بسیج عمومی نظری آنچه اوایل انقلاب داشتیم، عنوان کرده اند. مفاهیمی نظیر احساس عدم اثر گذاری و تقسیم وظایف و نقش اجتماعی هر فرد و هر ارگان باعث شده است که کمتر مردم نسبت به موضوعاتی بحرانی که نیاز به بسیج عمومی و همکاری مردم دارد احساس مسئولیت کرده و با مفهومی تحت عنوان کاهش احساس مسئولیت جمعی مواجه هستیم.

ما در جامعه با نوعی کاهش احساس مسئولیت جمعی مواجه هستیم. در حالی که در گذشته، مردم ایران احساس می کردند که سرنوشت کشورشان به دست خودشان است و با مشارکت در امور عمومی می توانند به بهبود وضعیت کمک کنند، اکنون این احساس تا حد زیادی کمرنگ شده است. بسیاری از مردم به این باور رسیده‌اند که مشارکت آن‌ها در امور عمومی تأثیری در بهبود شرایط ندارد و در نتیجه، از فعالیت‌های جمعی کناره‌گیری می‌کنند. این کاهش احساس

مسئولیت جمعی، به‌ویژه در میان نسل جوان، که بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، به چشم می‌خورد. جوانانی که در دوران جنگ و انقلاب حضور نداشتند و تجربه مشارکت‌های جمعی آن دوران را ندارند، ممکن است انگیزه کمتری برای مشارکت در بسیج‌های مردمی داشته باشند (مصاحبه شماره ۱).

جدول شماره ۶. کاهش احساس مسئولیت جمعی

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
کاهش احساس مسئولیت جمعی	احساس عدم اثرگذاری	عدم اثرگذاری در جامعه	Q1 Q12 Q13 Q15
		بی نتیجه بودم مشارکت در فعالیتهای	Q9 Q5 Q11 Q15
		کم‌رنگ شدن نقش مردم در امور عمومی	Q7 Q8 Q1 Q2
	تقسیم وظایف و نقش اجتماعی	هر سازمانی وظیفه خودش را دارد.	Q1 Q4 Q5 Q12 Q14
		دفاع کار ارتش و سپاه است و نظم کار نیروی انتظامی	Q9 Q1 Q5 Q15
		هر کس مسئول زندگی خودش است.	Q12 Q11 Q10 Q7
		تغییرات فرهنگی ناشی از فضای مجازی	Q4 Q7 Q10 Q14 Q15

۴-۵-۲- دگردیسی بسیج مردمی:

یکی دیگر از مباحث صورت بندی شده در گفتگوهای مصاحبه شوندگان تغییر رویه و شکل بسیج عمومی است. به طوری که حالت اضطرار آن حذف شده و در اشکالی نظیر **سازمانهای مردم نهاد، گروههای جهادی و خیریه های شهرت محور** بروز و ظهوری مجدد داشته است.

گروه‌های جهادی یکی از نمونه‌های مدرن بسیج مردمی در ایران هستند که رویکردی عملیاتی تر و متمرکز بر رفع مشکلات عینی جامعه دارند. این گروه‌ها، اغلب با حمایت‌های مردمی و نهادهای مذهبی، در حوزه‌هایی نظیر ساخت مسکن، بهبود زیرساخت‌های روستایی، و امدادرسانی در بحران‌ها فعالیت می‌کنند. در این ساختار، به جای یک ایدئولوژی کلان، انگیزه‌های دینی، فرهنگی، و خدمات اجتماعی نقش پررنگ‌تری دارند (مصاحبه شماره ۲).

در سال‌های اخیر، NGOها و گروه‌های داوطلبانه به عنوان یک ساختار جدید بسیج مردمی ظاهر شده‌اند. این سازمان‌ها که اغلب در زمینه‌های حقوق بشر، محیط‌زیست، سلامت، و رفاه اجتماعی فعالیت می‌کنند، به جای رویکردهای دستوری، از ابزارهای مشارکتی و آگاهی‌بخش استفاده می‌کنند. برخلاف بسیج سنتی، این نهادها کمتر به وابستگی به نهادهای دولتی تمایل دارند و بیشتر به خودسازمان‌دهی و استفاده از فناوری‌های ارتباطی برای جذب و هماهنگی نیروهای مردمی متکی هستند (مصاحبه شماره ۱۱).

شاید بشود گفت خیریه‌ها و شلترهایی که این روزها به طور وسیع در حال انجام خدمت در مناطق محروم هستند با کمک سلبریتی‌ها خودشان نوعی از بسیج پتانسیلهای عمومی است. اتفاقاً خیلی هم سریعتر اعتماد مردم را جلب می‌کنند. مثلاً سر قضیه زلزله کرمانشاه شاید برای اولین بار با چنین پدیده‌ای مواجه شدیم. الان می‌بینیم که گوشه و کنار کشور در مناطق محروم این ساز و کار دارد کار می‌کند و پتانسیلهای خویه هم دارد (مصاحبه شماره ۹).

جدول شماره ۷. دگردیسی بسیج مردمی

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
دگردیسی بسیج مردمی	گروههای جهادی	گروههای جهادی	Q2 Q9 Q6 Q11Q12 Q10
	سمنها	سازمانهای مردم نهاد	Q11 Q10 Q4
	خیریه های شهرت محور	خیریه ها	Q2 Q9 Q7
		خیریه های آنلاین	Q2 Q7 Q14 Q15
		خانه های امن کاهش آسیبهای اجتماعی مثل شلترها	Q10 Q4 Q15

۵-۲- راهکار استفاده از فضای آنلاین:

با توجه به یافته‌های تحقیق، فضای مجازی و زیرساخت‌های آن نقش مؤثری در شکل‌دهی به تحولات فرهنگی و ارزشی جامعه ایفا می‌کند و در شرایط بحرانی همچون شمشیری دو لبه عمل می‌نماید. برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش، بر کارکرد مثبت فضای مجازی در تسهیل شبکه‌سازی، تسریع اطلاع‌رسانی و تقویت نظارت بر روند فعالیت‌های بسیج مردمی تأکید داشته‌اند.

در مقابل، برخی دیگر به چالش‌هایی همچون شایعه‌سازی، کاهش انگیزه مشارکت فیزیکی و تضعیف ارتباطات چهره‌به‌چهره اشاره کرده‌اند که می‌تواند کارآمدی بسیج مردمی را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، به‌عنوان یک راهکار پیشنهادی، می‌توان بر توسعه و بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت‌های فضای مجازی با تکیه بر زیرساخت‌های بومی و امن تأکید کرد. طراحی سامانه‌های ملی برای سازماندهی، آموزش، اطلاع‌رسانی و هدایت نیروهای داوطلب در موقعیت‌های اضطراری، ضمن کاهش وابستگی به بسترهای خارجی، می‌تواند نقش مهمی در مدیریت منابع انسانی، افزایش شفافیت، و تقویت مشارکت عمومی ایفا کند. این رویکرد نه تنها از آسیب‌های احتمالی فضای مجازی می‌کاهد، بلکه با تعریف نقش فعال برای آن، به بازآفرینی بسیج مردمی در زیست‌بوم دیجیتال یاری می‌رساند.

زیرساخت‌های دیجیتال امکان نظارت و کنترل گسترده دولت‌ها بر فعالیت‌های اجتماعی را فراهم کرده است. این مسئله، از یک سو ممکن است به انسجام اجتماعی کمک کند، اما از سوی دیگر باعث تضعیف خودجوشی در حرکت‌های مردمی و ایجاد ترس از مشارکت شود. از طرف دیگر یکی دیگر از موانع فضای مجازی این است که انرژی و انگیزه افراد را به فعالیت‌های فیزیکی محدود می‌کند. بسیج عمومی نیازمند حضور فیزیکی و مشارکت عملی در فضاهای عمومی است، اما بسیاری از افراد به دلیل درگیر شدن در فعالیت‌های آنلاین، از این امر باز می‌مانند (مصاحبه شماره ۴)

جدول شماره ۸. فضای آنلاین

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
فضای آنلاین	سرعت بخشی آنلاین	امکان نظارت گسترده فعالیتها از طریق زیرساختهای آنلاین	Q4Q8 Q1 Q5 Q6
		سرعت بخشی به اطلاع رسانی و شبکه سازی	Q1 Q4 Q5 Q12 Q14
	چالشهای ناشی از فضای مجازی	عدم تمایل به فعالیت فیزیکی به دلیل مشغول بودن در فضای مجازی	Q12 Q9Q6 Q2
		جریان سازی از طریق شایعات و اخبار جعلی فضای مجازی	Q1 Q4 Q8 Q13 Q15

۶-۵-۲- چارچوب حکمرانی مشخص

یکی از موضوعات به دست آمده از دل مصاحبه های انجام شده نبود یک نظام حکمرانی روشن و قابل اجرا برای هدایت و مدیریت کنشهای مردمی است. به نظر می رسد ساختارهای بسیج سنتی با شرایط روز جامعه همخوانی ندارد و خود تبدیل به چالش شده است.

ما یک مدل یک پارچه بسیج عمومی از طریق مساجد از قدیم راه اندازی کردیم، بسیج محلات، ادارات، اساتید، مدارس و ... را داریم ولی بخشی از مردم که اصلاً تمایلی به برچسب بسیجی بودن ندارند، کارمند نیستند، دانشجو نیستند، استاد نیستند و یا دانش آموز نیستند از این سیستم بیرون می مانند. شاید به خاطر همین است که یک عده در موقع بلایای طبیعی راه می افتند و خودشان وسایل جمع می کنند و ماشین می گیرند و به سمت مناطق راه می افتند. انگار کسی نیست اینها را ساماندهی کند (مصاحبه شماره ۲).

گاهی با کارهای موازی مواجه می شویم. مثلاً در بحران‌هایی نظیر زلزله یا سیل، به دلیل نبود هماهنگی بین نهادهای دولتی، گروه‌های جهادی، و سازمان‌های مردم‌نهاد، گاهی منابع و نیروی انسانی به صورت موازی یا ناکارآمد مورد استفاده قرار می گیرد به نظر می رسد ایجاد یک پلتفرم مناسب برای اینگونه مواقع بتواند مشکل را برطرف کند (مصاحبه شماره ۱۰).

جدول شماره ۹. نبود چارچوب حکمرانی مشخص			
مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
نبود چارچوب حکمرانی مشخص	ضعف جذب همه گروههای اجتماعی	استفاده غیر سیستماتیک از فضاهای عمومی مثل مساجد	Q4 Q15 Q14 Q11 Q13
		نادیده انگاری بخشی از جامعه	Q10 Q11 Q7 Q2
		عدم هماهنگی بین گروههای مختلف مشارکت مردمی.	Q1 Q11 Q8 Q5 Q10
	ضعف حکمرانی فضای دیجیتال	نبود یک سیستم یکپارچه دیجیتال برای مدیریت پتانسیلها	Q10 Q13 Q2 Q12
		پلتفرم های دیجیتال اغلب فاقد مکانیزمهایی برای اعتماد سازی و شفافیت هستند.	Q10 Q1 Q9

جدول شماره ۹. نبود چارچوب حکمرانی مشخص			
مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
		بسیاری از گروهها فاقد ابزارهای دیجیتال پیشرفته برای هماهنگی سریع و شفاف هستند.	Q10 Q6 Q2
		پلتفرمهای موجود اغلب پراکنده و ارتباط موثری میان آنها وجود ندارد	Q1 Q2 Q15 Q12
		اطلاعات در برخی موارد به دلیل نبود پایگاه داده یکپارچه یا ضعف در اشتراک گذاری به هدر می رود.	Q9 Q6 Q10 Q15

۲-۵-۷- ایجاد مدل های یکپارچه حکمرانی

نبود یک چارچوب حکمرانی مشخص برای فعالیت های مردمی به ویژه در موقعیت های بحرانی، یکی از چالش های اصلی در مسیر بازآفرینی بسیج مردمی است. در شرایطی که نهادهای متعدد با وظایف هم پوشان و بعضاً متضاد وارد میدان می شوند، نبود یک مدل یکپارچه که بتواند میان حکمرانی، فناوری و استفاده از فضاهاى عمومى پیوند برقرار کند، موجب سردرگمی نیروهای داوطلب، اتلاف منابع و کاهش اثربخشی اقدامات می شود. به همین دلیل، طراحی و استقرار مدل های یکپارچه حکمرانی به عنوان راهکاری کلیدی پیشنهاد می شود. این مدل ها باید بتوانند سه حوزه اصلی را به طور نظام مند ترکیب کنند: ساختارهای حکمرانی (چه کسی تصمیم می گیرد؟ چگونه منابع تخصیص می یابد؟)، ابزارهای فناورانه (چگونه اطلاعات گردآوری و توزیع می شود؟)، و فضاهاى عمومى فیزیکی و مجازی (کجا مردم گرد هم می آیند و چگونه مشارکت می کنند؟). هدف از چنین مدلی، تسهیل مدیریت بحران، به کارگیری به موقع ظرفیت مردمی، و افزایش انسجام و پاسخگویی است.

ببینید، به نظر من یکی از اصلی ترین ضعف هایی که در مدیریت مشارکت های مردمی، مخصوصاً در شرایط بحرانی وجود دارد، نبود یک مدل یکپارچه ی حکمرانیه. یعنی ما الان با نهادهای زیادی طرفیم که هر کدام ساز خودشون رو می زنن و عملاً معلوم نیست مسئولیت ها چطور تقسیم شده. اگر ما به مدل منسجم داشته باشیم که هم تکلیف حکمرانی و تصمیم گیری روشن باشه، هم از ظرفیت فناوری برای هماهنگی و اطلاعات رسانی استفاده بشه، و هم فضاهاى

عمومی - چه فیزیکی چه مجازی - به درستی مدیریت بشن، اون وقت می‌تونیم مردم رو همزمان هم سازماندهی کنیم، هم به موقع وارد عمل کنیم و هم ارزیابی درستی از عملکردها داشته باشیم. الان این سه حوزه کاملاً از هم جدا هستن و همین باعث اتلاف منابع و افت سرمایه اجتماعی میشه (مصاحبه شماره ۱۵).

جدول شماره ۱۰: مدل یکپارچه حکمرانی

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم	مصاحبه
مدلهای یکپارچه حکمرانی	پیوند ساختار حکمرانی و فناوری	لزوم تعیین نقش واحد برای نهادهای واسط در بسیج مردمی	Q9 Q6 Q10 Q15
		ایجاد پلتفرم ملی برای هماهنگی میان نهادها و مردم	Q10 Q6 Q2 Q15
	اتصال بین فضاهاى مجازى و واقعى	استفاده ترکیبی از فضای فیزیکی محلی و زیرساختهای دیجیتال	Q4 Q15 Q14 Q11 Q13
	نظام تخصیص منابع مردمی در بحرانها	طراحی مکانیسم تخصیص منابع و نیروی انسانی بر اساس اولویت و نیاز منطقه ای	Q4 Q15 Q14 Q11 Q13
		طراحی ساختار فرماندهی مشترک در شرایط اضطراری	Q10 Q13 Q2 Q12
	یکپارچه سازی داده ها و اطلاعات	تدوین مدل جامع حکمرانی در حوزه مشارکت های مردمی	Q1 Q11 Q8 Q5 Q10
		راه اندازی داشبورد های ملی برای رصد، هدایت و ارزیابی مشارکت مردمی	Q9 Q6 Q10 Q15 Q12

نتیجه گیری و پیشنهادها

بازآفرینی بسیج مردمی در ایران معاصر، ضرورتی اجتماعی، فرهنگی و حکمرانی است که از دل تجربه های بحران زده، تحولات ساختاری و دگرگونی های نسلی سربرآورده است. یافته های این پژوهش، هم راستا با تحلیل های نظری در حوزه مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و حکمرانی، نشان می دهد که الگوی سنتی بسیج مردمی که عمدتاً بر کنش جمعی خودجوش، اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، و ارزش های دینی-انقلابی تکیه داشت، امروز با چالش های چندوجهی روبرو

شده است. در گذشته، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس، بسیج عمومی به مثابه یک سرمایه اجتماعی عظیم و خودتقویت‌گر عمل می‌کرد که توانست در کوتاه‌ترین زمان، منابع انسانی و اجتماعی قابل توجهی را برای مقابله با بحران‌ها فراهم آورد. اما با گسترش نابرابری‌ها، کاهش انسجام اجتماعی، و تضعیف اعتماد به نهادهای رسمی، این الگو نیازمند بازنگری عمیق است؛ مسئله‌ای که این پژوهش نیز در مصاحبه‌های کیفی با کنشگران مختلف به‌وضوح آشکار ساخته است.

یکی از کلیدی‌ترین یافته‌ها، نبود یک چارچوب روشن و پاسخ‌گو برای حکمرانی بر بسیج‌های مردمی در شرایط بحرانی است. مطالعات موردی بحران‌هایی چون زلزله کرمانشاه، سیل گلستان و همه‌گیری کرونا نشان داده‌اند که هم‌زمانی ورود نهادهای مختلف بدون هماهنگی، موجب اتلاف منابع، تعارض عملکردها، و در نهایت، نارضایتی عمومی و ناکارآمدی بسیج شده است. این تجربه‌های میدانی، مؤید تحلیل‌های نظری پاتنام (۲۰۰۰) درباره نقش سرمایه اجتماعی در تسهیل همکاری، و همچنین اولسون (۱۹۶۵) درباره چالش‌های کنش جمعی در غیاب مشوق‌های ساختاری هستند. همان‌طور که کدیور (۲۰۲۲) نیز نشان می‌دهد، در فقدان ساختارهای رسمی منسجم و پاسخ‌گو، بسیج مردمی در بهترین حالت به عملکردی پراکنده و کوتاه‌مدت تبدیل می‌شود.

در این راستا، طراحی و پیاده‌سازی یک مدل حکمرانی یکپارچه، به‌مثابه شرط لازم برای بازآفرینی بسیج عمومی مطرح می‌شود. این مدل باید توانایی ترکیب و هم‌افزایی سه حوزه‌ی حیاتی را داشته باشد: ساختار نهادی، فناوری و فضاها. عمومی. در سطح حکمرانی، نیازمند سازوکارهایی هستیم که در پاسخ به پرسش‌های اساسی مانند «چه نهادی مسئول نهایی هماهنگی است؟»، «تخصیص منابع چگونه صورت می‌گیرد؟»، و «نظام بازخورد و ارزیابی مشارکت‌ها چگونه طراحی می‌شود؟» پاسخ‌های روشن، باثبات و اجرایی ارائه دهند. یکی از ایرادات اصلی به ساختارهای موجود، تمرکزگرایی افراطی در تصمیم‌گیری و تضعیف قدرت ابتکار در سطوح محلی است؛ در حالی که ادبیات حکمرانی جدید، از جمله آثار پی‌یر و پیترز (۲۰۰۰)، نشان می‌دهند که ساختارهای شبکه‌ای و چندسطحی قادرند از طریق واگذاری اختیارات و ایجاد سازوکارهای مشارکتی، هم‌زمان انسجام و انعطاف را تأمین کنند.

دومین حوزه کلیدی، فناوری است. فضای دیجیتال، در عین آنکه بستر جدیدی برای بسیج، اطلاع‌رسانی، شبکه‌سازی و هماهنگی فراهم کرده، اما به دلیل نبود چارچوب بومی، هوشمند و

مقاوم، در بسیاری از موارد خود به منبع شایعه، بی‌نظمی و کاهش کیفیت مشارکت تبدیل شده است. این یافته با پژوهش هسرل و دیگران^۱ (۲۰۲۱). نیز هم‌خوان است که در آن تأکید شده فضای مجازی بدون سیاست‌گذاری دقیق و پیوست فرهنگی، در شرایط بحران ممکن است مشارکت فیزیکی را تضعیف کند. در مصاحبه‌های این پژوهش نیز به‌طور مکرر اشاره شده که بسیاری از نیروهای مردمی، با اتکا صرف به اطلاع‌رسانی مجازی، دچار سردرگمی، عدم هماهنگی یا بی‌اعتمادی نسبت به فراخوان‌ها شده‌اند. بنابراین، زیرساخت‌های فناورانه باید از یک‌سو مقاوم در برابر شرایط بحرانی (مانند قطعی اینترنت) باشند و از سوی دیگر، ابزارهایی عملیاتی برای ثبت نیرو، نظارت، بازخورد و آموزش تعبیه کنند. همچنین، این زیرساخت‌ها باید امکان پیوند دادن فضای آنلاین و آفلاین را فراهم کنند، به گونه‌ای که بتوان از دل فضای مجازی، حضور فیزیکی را نیز سازمان‌دهی کرد.

در حوزه سوم، یعنی فضاهای عمومی، یافته‌ها نشان می‌دهد که بی‌توجهی به مکان‌های تعامل اجتماعی - نظیر مساجد، مدارس، مراکز محلی و حتی پارک‌ها - موجب کاهش انسجام اجتماعی شده و نقش چهره به چهره در شکل‌گیری اعتماد و تعهد اجتماعی تضعیف شده است. این نکته از منظر جامعه‌شناختی اهمیت زیادی دارد، چراکه بنا بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، از جمله آنچه در مطالعات پاتنام و گائو (۲۰۲۰) آمده، روابط حضوری و تعامل‌های مستمر در فضاهای عمومی، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های بازتولید سرمایه اجتماعی‌اند. این پژوهش نیز نشان داد که در مناطقی که فضاهای عمومی فعال، امن و مردم‌محور وجود دارد، مشارکت مردمی به مراتب سازمان‌یافته‌تر، پایدارتر و داوطلبانه‌تر است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در طراحی مدل حکمرانی، فضاهای عمومی نه به‌عنوان مکمل، بلکه به‌مثابه یک ستون کلیدی در نظر گرفته شوند و از ظرفیت آن‌ها در آموزش، شبکه‌سازی و سازمان‌دهی استفاده شود. ترکیب فضای مجازی و فیزیکی در قالب پلتفرم‌های اجتماعی محلی، می‌تواند به پیوندی اثربخش میان کنش آنلاین و اقدام آفلاین منجر شود.

از سوی دیگر، نمی‌توان از چالش‌های فرهنگی و اجتماعی چشم‌پوشی کرد. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که پدیده‌هایی نظیر فردگرایی، خستگی اجتماعی، بی‌اعتمادی به نهادها و رخوت فرهنگی در بسیاری از مناطق، مانع شکل‌گیری مشارکت‌های واقعی و ماندگار شده‌اند. این وضعیت، خود

1 Hesrel et al

نتیجه دهه‌ها غفلت از تربیت اجتماعی، از بین رفتن ارزش‌های جمع‌گرایانه دوران دفاع مقدس، و همچنین تسلط گفتمان‌های مصرف‌گرایانه بر فرهنگ عمومی است. در این زمینه، یافته‌های این پژوهش با نتایج مزک (۲۰۱۶) نیز هم‌خوان است که نقش شبکه‌های محلی، روابط انسانی و همبستگی اجتماعی را در بسیج‌های موفق تأیید می‌کند. بنابراین، بازآفرینی بسیج مردمی نیازمند یک بازسازی فرهنگی نیز هست: احیای هویت جمعی، مسئولیت‌پذیری شهروندی، و آموزش نسل جدید برای مشارکت مؤثر و اخلاق‌محور.

بر اساس آنچه گفته شد، مدل حکمرانی پیشنهادی این پژوهش، باید دارای ابعاد چندگانه باشد: نهادی (با ساختار چندسطحی و پاسخ‌گو)، فناورانه (با زیرساخت‌های بومی و مقاوم)، فضایی (با احیای فضاهای عمومی) و فرهنگی (با تربیت مشارکتی و مسئولیت‌پذیر). این مدل باید مردم‌محور، منعطف، و قابلیت انطباق با شرایط متغیر اجتماعی را داشته باشد. نقش گروه‌های جهادی، فعالان رسانه‌ای، سازمان‌های مردم‌نهاد و فضاهای تربیتی باید در این مدل ساختاریافته، رسمی و تثبیت شده باشد، نه صرفاً در حاشیه یا به صورت موقت. همچنین، مشارکت مردمی نباید فقط برای شرایط اضطراری طراحی شود، بلکه باید در دوران عادی نیز از طریق پروژه‌های محیط‌زیستی، خدمات محلی و فعالیت‌های فرهنگی، به بازسازی مستمر سرمایه اجتماعی منجر شود.

در پایان، باید به خلأهای موجود در ادبیات علمی نیز اشاره کرد. اگرچه در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در حوزه حکمرانی و مشارکت اجتماعی صورت گرفته، اما حوزه‌هایی همچون پایداری فناوری، تحلیل تطبیقی الگوهای بین‌المللی، چگونگی ترکیب فضای فیزیکی و دیجیتال، و طراحی سازوکارهای انگیزشی برای جوانان و طبقات متوسط، هنوز به صورت جامع بررسی نشده‌اند. این خلأها، به‌ویژه در زمینه بومی‌سازی مدل‌های بین‌المللی برای شرایط خاص ایران، می‌توانند محور پژوهش‌های آینده قرار گیرند و به سیاست‌گذاران در مسیر بازآفرینی بسیج مردمی کمک اساسی کنند.

فهرست منابع

اشتراوس، آنسلم و کوربین، ژولیت (۱۳۹۵) مبانی تحقیق کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، تهران، نشر نی.

بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا) صحیح بخاری.

- بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۸۸) دیدار با بسیجیان سراسر کشور. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲) توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریعتی، علی (۱۳۵۸) بازگشت به خویشتن، تهران: حسینیه ارشاد.
- فلیک، اوه (۱۳۹۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: صدرا.
- Agostino, Basilicata. (2022). Popular Politics and the Path to Durable Democracy. doi: 10.1515/9780691229140
- Alfonso, Torres, Carrillo. (2014). Renacer de la educación popular como sentido y práctica emancipadores. 1(2)
- Amirahmadi, H. (1989). Popular movements, incidental factors, and the state's measures for regional development in the islamic republic of iran. Review of Urban & Regional Development Studies, 1(1), 47–64. <https://doi.org/10.1111/J.1467-940X.1989.TB00004.X>
- Anthony, D'Andrea. (2014). 2013 Protests in Brazil: The Kite and the Byte in New Forms of Popular Mobilization. Anthropological Quarterly, 87(3):935-942. doi: 10.1353/ANQ.2014.0040
- Castells, M. (2012). Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age. Polity Press. <https://voidnetwork.gr/wp-content/uploads/2019/11/Networks-of-Outrage-and-Hope-Social-Movements-in-the-Internet-Age-Manuel-Castells.pdf>
- Catherine, Corrigan-Brown. (2017). The Oxford Handbook of Social Movements. Contemporary Sociology, 46(4):422-423. doi: 10.1177/00943061177145001
- Daniel, Cefai. (2011). Diez propuestas para el estudio de las movilizaciones colectivas. De la experiencia al compromiso. 137-166. doi: 10.5354/RDS.V0I26.27491
- David, Lorenzi., Soon, Ae, Chun., Jaideep, Vaidya., Basit, Shafiq., Vijay, Atluri., Nabil, R., Adam. (2015). PEER: A Framework for Public Engagement in Emergency Response. 4(3):29-46. doi: 10.4018/IJEPR.2015070102
- Ghaneirad, M. A. (2011). A critical review of the iranian attempts towards the development of alternative sociologies. IAU International Journal of Social Sciences, 1(2), 125–144. https://ijss.srbiau.ac.ir/article_1835.html
- Huan, Gao. (2020). The Power of the Square: Public Spaces and Popular Mobilization after the Wenchuan Earthquake. Journal of Chinese Political Science, 25(1):1-23. doi: 10.1007/S11366-019-09643-W
- Jaromír, Mazák. (2016). Teorie sociálních hnutí: přehledová studie. 2016(2):9-30. doi: 10.14712/24647055.2016.13
- Lob, E. (2017). Development, Mobilization and War: The Iranian Construction Jihad, Construction Mobilization and Trench Builders Association (1979–2013). Middle East Critique, 26(1), 25–44. <https://doi.org/10.1080/19436149.2017.1282738>
- Lob, E. (2020). Iran's Reconstruction Jihad: Rural Development and Regime Consolidation after 1979. <https://www.cambridge.org/core/books/irans-reconstruction-jihad/0A4A897EDC13565F99FAA042CAFC06A7>
- Lorenzo, Bosi., Katrin, Uba. (2009). Introduction: the outcomes of social movements *. Mobilization, 14(4):409-415. doi: 10.17813/MAIQ.14.4.M1408K812244744H

- Lu, Hong. (2010). Public Participation in Public Crisis Management. Journal of Tangshan College,
- Margarita, López, Maya. (1999). Lucha popular, democracia, neoliberalismo : protesta popular en América Latina en los años de ajuste. Naturalistic Inquiry 1985 Beverly Hills Sage Publications
- Nebojša, Vladislavljević. (2019). Revolutionary Origins of Political Regimes and Trajectories of Popular Mobilization in the Late Communist Period. 47(4):545-561. doi: 10.1017/NPS.2018.62
- Norma, Michi. (2020). Poco a poco: movimientos populares y educación, un campo de estudio y de acción. 9:1-13.
- Olson, M. (1965). The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups. Harvard University Press. <https://users.ssc.wisc.edu/~oliver/SOC924/Articles/olsonlogic.pdf>
- Paivandi, S. (2023). Unaccomplished Protest Movements in Iran and the Challenge of Building a Collective Imaginary of Political Change. Freedom of Thought Journal, 13, 1–17. <https://doi.org/10.53895/ftj1301>
- Parvin, Shafei, Moghaddam., Sanaz, Sohrabizadeh., Katayoun, Jahangiri., Seyed, Saeed, Hashemi, Nazari. (2023). Community-Based Disaster Health Management Approaches: A Systematic Literature Review. Journal of Iranian medical council, doi: 10.18502/jimc.v6i1.11837
- Pierre, J., & Peters, G. (2000). Governance, Politics and the State. Basingstoke: Macmillan. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1310915>
- Povey, T. (2019). Reformism, Economic Liberalisation and Popular Mobilisation in Iran. <https://research.gold.ac.uk/id/eprint/27769/>
- Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Simon & Schuster. <https://communistcaucus.com/wp-content/uploads/2021/12/Bowling-Alone.pdf>
- Renato, Braz, Mehanna, Khamis. (2016). Manifestações populares no Brasil: a crise política do Estado Constitucional brasileiro e o direito achado nas ruas. 46(124):47-64. doi: 10.18566/RFDCP.V46N124.A04
- Rosa, María, Cueto., María, Zoila, Fernández., Sarah, Moll., Gonzalo, Rivera. (2015). Community Participation and Strengthening in a Reconstruction Context After a Natural Disaster.. Journal of Prevention & Intervention in The Community, 43(4):291-303. doi: 10.1080/10852352.2014.973296
- Serdal, Temel., Susanne, Durst. (2023). Community mobilisation and collaboration through innovative approaches to overcome significant disasters: an analysis of the biggest earthquake in Turkish history. European Journal of Innovation Management, doi: 10.1108/ejim-02-2023-0165
- Sławomir, Wilk. (2023). Social mobilization in the event of floods in Poland and assistance to war refugees from Ukraine. Comparative analysis of the provided support. Praca Socjalna, 38(1):59-83. doi: 10.5604/01.3001.0053.4211
- Steffen, Haesler., Ragnar, Mogk., Florentin, Putz., Kevin, Logan., Nadja, Thiessen., Katharina, Kleinschneider., Lars, Baumgärtner., Jan-Philipp, Stroscher., Christian, Reuter., Michèle, Knodt., Matthias, Hollick. (2021). Connected Self-Organized Citizens in Crises: An Interdisciplinary Resilience Concept for Neighborhoods. 62-66. doi: 10.1145/3462204.3481749
- T, Van, Krieken., Udayangani, Kulatunga., Chaminda, Pathirage. (2017). Importance of community participation in disaster recovery.

- Teimouri, A. (2024). The long cultural backlash movement: Pro-regime social justice mobilizations, discourses and policies in Iran (1995–2010). *International Social Science Journal*. <https://doi.org/10.1111/issj.12518>
- The Good Research Guide For small-scale social research projects 2010 London Open University Press
- Thea, Hilhorst. (2013). *Disaster, conflict and society in crises : everyday politics of crisis response*.
- Wellman, R. (2015). Regenerating the Islamic Republic: Commemorating Martyrs in Provincial Iran. *Muslim World*, 105(4), 561–581. <https://doi.org/10.1111/MUWO.12111>
- Yaseen, E. M. E. (2017). Regeneration of Iranian Heritage = ۱۸۰، (۳۸)، ۱۸۵. <https://doi.org/10.12816/0047332>

